

# جهانی شدن و چالش‌های نظام آموزش و پرورش در پرتو فناوری‌های نوین اطلاعاتی

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۴/۲۰

حسین فروغی‌نیا\*

تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۷/۱۴

سید یوسف سید میرزاپور\*\*

## چکیده

قرن بیست و یکم قرن دانایی؛ آگاهی و دانش است و جامعه اطلاعاتی در حال شکل‌گیری می‌باشد. دانایی مهم‌ترین ثروت و سرچشمه توانمندی در داد و ستدهای انسانی، اجتماعی و اقتصادی است. به کمک یادگیری می‌توان از گنج درون برای بنای صلح پایدار و حرکت به سمت جامعه یادگیرنده و مسئول در برابر دیگران، بیشترین بهره‌برداری را کرد. در این قرن، یادگیرندگان «شهروندان جهان» شمرده می‌شوند که با دیگران در «دهکده جهانی» زندگی می‌کنند، می‌اندیشند، پیوند دارند و با همکاری فراگیر به این امور می‌پردازند. در واقع، دنیای کنونی با دگرگونی‌های شتابان محیط بین‌المللی و گذر از جامعه صنعتی به اطلاعاتی و تغییر اقتصاد ملی به جهانی همراه شده است و در این شرایط آموزش و پرورش مجهز به تکنولوژی نوین اطلاعات و ارتباطات می‌تواند نقش مهمی در رشد و توسعه داشته باشد تا به افزایش بهره‌وری، ایجاد اشتغال و رفاه اجتماعی منجر شود. در این مقاله، چالش‌ها و فرصت‌های فراروی آموزش و پرورش در بستر جهانی شدن مورد بررسی قرار گرفته و در پایان، راهکارهایی برای تقویت سامانه آموزشی پیشنهاد شده است.

**واژگان کلیدی:** جهانی شدن، آموزش و پرورش، فناوری اطلاعات، توسعه انسانی، دانایی.



## مقدمه

تعلیم و تربیت فرایندی برای رشد و تکامل انسان در فرایندی پویا و سازنده که به آدمی روحیه خلاق و آزادی می بخشد و نه تنها سبب توفیق او بر طبیعت می شود، بلکه به وی امکان می دهد در محیط خود به تفحص بپردازد و دنیای خود را آگاهانه بازسازی کند. تعلیم و تربیت اسلامی نیز مبنی بر تحقیق، تفکر، تعقل و استدلال است و انسان رشديافته برمبنای آن، چشم و گوش بسته نیست و پذیرای هر چیز نخواهد بود (غفاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۷). ازسوی دیگر، کلیدی ترین عنصر در توسعه یک جامعه، مردم آن جامعه اند که باید از فرهنگ، آگاهی و مهارت های گوناگون برخوردار باشند. با توجه به روندهای موجود در عصر جهانی شدن، تفاوت بین کشورها از لحاظ سطح فرهنگ، آموزش و تربیت تخصصی مردم آنهاست. تجربیات چند قرن توسعه، اندیشمندان را به این نتیجه رسانده است که توسعه در افزایش سرمایه، تکنولوژی، سطح درآمد، صادرات و صنعت خلاصه نمی شود، بلکه مهم ترین رکن توسعه، مردم با فرهنگ اند. از آنجا که توسعه در ابعاد گوناگون مستلزم شخصیت، تحمل و تفکر است، بهترین آموزش های علمی، دانشگاهی و اخلاقی را می طلبد. بنابراین، نباید انتظار داشت که بدون آموزش، تعلیم و تربیت و صرف سال ها وقت برای اصلاح رفتار انسان ها و پرورش اندیشه های انسان جامعه ای متحول شود و به سمت بهبود و تکامل حرکت کند. به جز توسعه اقتصادی که جامعه را به طور طبیعی به سوی سازمان یافتگی و همکاری جمعی سوق می دهد، تعلیم و تربیت و نظام آموزشی پویا و برخوردار از کادر فوق العاده قوی و صاحب شخصیت، عامل مهم دیگری است که در هرم عوامل مؤثر، تعیین کننده و پایدار، بر ابعاد مختلف توسعه کشور تأثیر می گذارد (سریع القلم، ۱۳۸۰: ۱۰۸). در این میان، جهانی شدن به عنوان فرایندی گریزناپذیر در قرن بیست و یکم، در روبه های چهارگانه خود (فنی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) آموزش و پرورش را دستخوش دگرگونی می کند. از این رو، شناسایی ویژگی های این فرایند و آثار آن بر نظام آموزش و پرورش کشور و به عبارت دیگر جهانی شدن آموزش و پرورش، یکی از وظایف اصلی هر سامانه آموزشی و از جمله ایران است. می توان گفت انقلابی همانند انقلاب صنعتی در جهان روی داده که به آن انقلاب اطلاعات می گویند. دوره ای که در آن زندگی می کنیم «عصر اطلاعات» است. این مسئله بسیاری از عرصه های زندگی را دگرگون کرده و مهم ترین ویژگی آن، تسهیل و تسریع



ارتباطات است. امروزه فراوانی و تولید اطلاعات از ویژگی‌های کشورهای توسعه‌یافته می‌باشد. بنابراین فراهم کردن زیرساخت فناوری اطلاعاتی از گام‌های اساسی گسترش علم و دانش است. در چنین فضایی کشورهای در حال توسعه، خصوصاً ایران، به‌ناچار باید افق نگرش خود را فراتر از شیوه‌های سنتی آموزشی گسترش دهند. افزون‌بر این، «جهانی شدن» چه بایستگی تاریخی و خودجوش باشد و چه پروژه‌ای برنامه‌ریزی شده، واقعیت پیش روی جهان است و همه جوامع در این میدان فرصت بازیگری دارند، ولی علاوه بر فرصت، خطر نیز وجود دارد. هر جامعه‌ای که بتواند ابزارهای موجود و استعداد‌های بالقوه خود را در چارچوب مرزهای ملی به خدمت بگیرد و شیوه به‌کارگیری آن را در پیوند با دیگر کشورها به‌گونه‌ای سازگار با شرایط و مقتضیات جهان قرن بیست‌ویکم بداند، می‌تواند پیروزمندانه در این میدان نقش ایفا کند (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۳۵).

آموزش و پرورش نیز یکی از نهادهای مهم و سرنوشت‌ساز جامعه و عامل رشد و توسعه است و با تعهد نسبت به فرهنگ و هویت ملی، نظام آموزشی را در فرایند جهانی شدن یاری می‌رساند. آموزش و پرورش، بیشتر یک درون‌داد بایسته برای توسعه اجتماعی و اقتصادی بوده و آنچه جهانی شدن انجام داده، افزایش بازگشت به آموزش و پرورش در دسترس برای بهره‌برداری اقتصاد جهانی و جبران زیان‌های برآمده از شکست آموزشی است. در واقع، جهانی شدن نیاز به آموزش و پرورش را افزایش داده است. در عین حال، تغییر و اصلاح آموزش و پرورش منطبق با منطق جهانی شدن به اقداماتی نیاز دارد که خود دال بر تأثیرپذیری آموزش و پرورش بر فرایند جهانی شدن است. از جمله، اصلاح هدف‌های کلی و عینی در برنامه درسی، بسط محتوای آموزش جهانی به آن اندازه که در برنامه درسی منعکس شود، تقاضا برای برنامه درسی آموزش جهانی برای گروه‌های درون مدرسه‌ای و اجتماع بیرونی، حرکت به سوی یادگیری مادام‌العمر برای همه، حرکت به سوی آموزش از راه دور و یادگیری پراکنده و حرکت به سوی نهادینه شدن استفاده از شبکه‌های ارتباطی در آموزش و پرورش (Brunner, ۲۰۰۰: ۱۴۵).

## ۱. چرایی و گستره جهانی شدن

امروزه یکی از مسائل مهم، جهانی شدن و پیامدهای آن بر بخش‌های گوناگون کشورهاست. این پدیده در مقیاس بین‌المللی و ملی، چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای



بخش های گوناگون جامعه دارد که برای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه یکسان نیست (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۷۰). جهانی شدن پدیده نوظهوری نیست، بلکه از آغاز تاریخ همگام با افزایش آگاهی انسان درباره خود و پیرامون طبیعی و اجتماعی وجود داشته است. از جنگ جهانی دوم به بعد، با گسترش بازرگانی جهانی، افزایش جابه جایی سرمایه در گستره بین المللی، کوچ نیروی کار و کاهش تنگناهای بازرگانی بر پایه پیمان های بین المللی، شکلی دیگر و شتابی بیشتر پیدا کرد. در سال های اخیر نیز با گسترش فزاینده دانش و فناوری، فروپاشی ابرقدرت شرق و پایان دوران جنگ سرد، شتاب بی سابقه ای گرفته است. با ورود رایانه و اینترنت به زندگی انسان، بسیاری از زوایا و مظاهر زندگی جامعه بشری دستخوش دگرگونی شده است؛ از جمله سرعت انتشار اطلاعات که نتیجه کاربرد الکترونیک به شمار می رود.

عده ای جهانی شدن را راهی ناخواسته دانسته اند، به گفته آنها جهانی شدن به فراخور دگرگونی های اقتصادی، سیاسی، علمی و گسترش پیوستاری در زمانه کنونی رخ نموده است و کشورها به ناچار باید خود را با آن هماهنگ کنند. بر پایه چنین برداشتی، باید پذیرفت که فرهنگ ویژه ای بر اخلاق، هنر، اقتصاد، سیاست و نیز رفتارهای فردی و جمعی انسان ها چیره می شود و سرانجام، جهان دارای فرهنگی یکسان خواهد شد، اما کسانی که از جهانی شدن برداشتی چیرگی خواهانه ندارند، بر این عقیده اند که آن به معنای سلطه فرهنگی ویژه بر جهان نیست، بلکه از آنجاکه انسان ها همگی هموند جامعه جهانی هستند باید به مسائلی که جامعه جهانی با آن دست به گریبان است، بیندیشند و برای گشودن تنگناها و دشواری های پیش روی بشریت همکاری کنند. آنها همزمان با پذیرش تنوع فرهنگی به عنوان یک واقعیت، گفت و گوی میان تمدن ها، هم اندیشی فرهنگی، دستیابی به ارزش های مشترک، گرامیداشت دوسویه، همکاری های بین المللی و نیز شکیبایی را پیشنهاد می کنند. در همین زمینه، گروهی نیز گفته اند شکل گیری فرهنگ جهانی، به فروریزی فرهنگ های ملی و منطقه ای نمی انجامد زیرا فرهنگ های بومی سامانه ارزشی توانمندی دارند و فرهنگ جهانی نمی تواند این فرهنگ ها را در خود هضم نماید. اگر فرهنگی رو به نابودی است، علت آن بیشتر به کاستی های درونی آن فرهنگ برمی گردد تا به پیدایش فرهنگی جهانی (محسن پور، ۱۳۷۹: ۷۳). به هر حال، جهانی شدن پیامدهای مهمی در رویه فرهنگی دارد که جوامع و فرهنگ ها باید برای نگهداری



و برکشیدن خود در میان دیگر فرهنگ‌ها آنها را بشناسند تا بتوانند از جهانی شدن به‌عنوان یک فرصت بهره گیرند. از جمله این دستاوردها عبارت‌اند از: هم‌اندیشی‌های بیشتر بین‌المللی، افزایش پیوسته‌ها و دانسته‌ها در گستره جهانی، کم‌رنگ شدن اثرات فرهنگ بومی و افزایش تأثیر فرهنگ‌های غیربومی.

در مجموع، با توجه به رویه‌های گوناگون جهانی شدن و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی برآمده از آن، کشورهای جهان برای سازگاری با دگرگونی‌های برخاسته از روند جهانی شدن باید دست به نوآوری بزنند. آنها با پیش‌بینی‌ها و برآوردهای خود برخورد با آسیب‌های احتمالی پیش رو را هرچه بیشتر کاهش می‌دهند و درآمدن به راه جهانی شدن را تا آنجا که بتوانند نرم و روان می‌سازند. این سازگاری‌ها باید در سه گستره فراملی، ملی و فردی دیده شود. در پهنه فراملی، باید به گسترش گونه‌ای کنترل جهانی برای گشودن تنگناها و دشواری‌های جهانی رو کرد. در گستره ملی، دولت‌های محلی باید جایگاه و برنامه ویژه‌ای داشته باشند و در سطح فردی باید به خاطر داشت که دشواری‌های کنونی همبستگی بالایی با آموزش و پرورش دارند. به عبارت دیگر، آسیب‌های فردی جهانی شدن برآمده از نبود منابع آموزشی کافی، ناآگاهی و نداشتن دانش لازم برای راه‌های افزایش امنیت فردی است. البته دگرگونی و بهبود آموزش و پرورش استوار بر منطق جهانی شدن، به برنامه‌هایی نیاز دارد که خود نشانه اثرپذیری آموزش و پرورش از جهانی شدن است؛ از جمله بهبود هدف‌های کلی و عینی در برنامه درسی، گسترش محتوای آموزش جهانی به اندازه‌ای که در برنامه درسی پدیدار شود، تقاضا برای برنامه درسی و... (Hendrix, ۱۹۹۸: ۲۸).

## ۲. اقدام‌هایی در مسیر آموزش و پرورش جهانی

یکی از مهم‌ترین مسائل بشر در همه ادوار تاریخی، مقوله تعلیم و تربیت و پرورش نسل جوان برای ورود به اجتماع و جامعه‌پذیری آنها بوده است زیرا برای دوام و بقای نسل، ناگزیر باید محیط زندگی را به مدد نیروی اندیشه اداره کرد و آنچه در این رهگذر تجربه می‌شود باید به نسل جوان منتقل شود. بنابراین می‌توان گفت در کهن‌ترین دوره‌های تاریخی، تعلیم و تربیت از بارزترین دلمشغولی‌های جوامع بوده است (غفاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۵). در این میان، هر جامعه‌ای نگرش ویژه‌ای به گذشته، حال و



آینده دارد. این گرایش زمانی که در پاسخ به آهنگ دگرگونی ها شکل گرفته و بسیار کم به آن توجه شده مهم ترین کنشگر تعیین کننده رفتار اجتماعی است و در راه و روشی که جامعه، جوانان خود را برای بزرگسالی آماده می کند به روشنی بازتاب می یابد. در جوامع ایستا، گذشته به درون زمان کنونی می خزید و در آینده بازآفرینی می شد. در چنین جوامعی، اندیشمندانترین راه برای آماده کردن کودک آن بود که او را به آموزه های گذشته مجهز سازند زیرا درست همان هایی بود که وی در آینده به آن نیاز پیدا می کرد. در این رویکرد، پدر، فنون کاربردی را به همراه مجموعه ای از ارزش های دیرینه و جافتاده به فرزندش منتقل می کرد و دانش ازسوی خانواده، نهادهای مذهبی و دوره های کارآموزی دست به دست می شد نه متخصصان مدارس. آموزش دهندگان و آموزش گیرندگان در سراسر اجتماع پراکنده بودند. به هر حال، کلید درآمدن به سامانه اجتماعی، ایمان مطلق به گذشته بود. زمانه مکانیکی همه این پیوندها را از میان برداشت زیرا صنعت به انسان تازه ای نیاز داشت. این دوران، آموزه هایی را می خواست که خانواده می توانست آنها را فراهم کند. صنعت گرایی سامانه ارزش ها را به ناچار دگرگون کرد و بیش از هر چیز خواستار آن بود که انسان به مفهوم تازه ای از زمان دست یابد. آموزش و پرورش همگانی، دستگاہی با رفتار هوشمندانه بود که صنعت گرایی را برپا کرد تا بزرگسالانی را پرورش دهد که به آنها نیاز داشت (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۳۹).

راهکار آماده کردن کودکان برای دنیایی تازه، وجود یک سامانه آموزشی بود که ساختارش برگرفته از همان دنیای تازه باشد. این سامانه یکباره پدیدار نشد. حتی امروز نیز سامانه آموزش و پرورش برخی عناصر جامعه پیش از صنعتی را همچنان نگه داشته است. جوانان از درون این دستگاہ آموزش و پرورش وارد جامعه ای می شوند که ساختار شغلی، نقش ها و نهادهایش همانند مدرسه است. انسان ها، که در برابر ویژگی های ناشناخته قرار گرفته بودند، ناچار شدند همه نیروهای خود را برای درک وضعیت تازه صرف کنند. از این رو، نگاه و پافشاری آموزش و پرورش نیز دستخوش دگرگون شد و به وضعیت کنونی درآمد. البته هنوز سامانه آموزش و پرورش ما خود را با زمانه صنعتی هماهنگ نکرده بود که نیاز به همپایی با جامعه فراصنعتی پیش آمد و روشن است که آموزش و پرورش درخور جامعه فراصنعتی نیازمند آن است که گرایش زمانی خود را هرچه بیشتر به آینده برگرداند (تافلر، ۱۳۷۴: ۴۱۴).

به باور پروفیسور کانل (۱۹۸۰)، در کتاب گذرگاه قرن بیستم، آموزش و پرورش جهانی از سه گام درخور تشخیص گذر کرده ولی پدیدآورنده این کتاب نیز یک گام دیگر به آن افزوده است:

۱. گام بیداری (۱۹۰۰-۱۹۱۶)؛
۲. گام نوجویی (۱۹۱۶-۱۹۴۵)؛
۳. گام نوسازی و گسترش آموزش و پرورش (۱۹۴۵-۱۹۷۹)؛
۴. گام پختگی (۱۹۷۵-۲۰۰۰) (صفوی، ۱۳۶۶: ۱۷۸-۱۷۹).

### ۳. الزامات جامعه جهانی و دگرگونی در سامانه آموزش و پرورش

فرایند اجتناب‌ناپذیر جهانی شدن همه ابعاد زندگی انسان را تحت تأثیر و تحول قرار داده است. آموزش و پرورش سنگ بنای توسعه و یکی از نهادهای مهم و اثرگذاری در جامعه می‌باشد که در فرایند یکپارچه‌سازی و همگرایی از این تأثیر و دگرگونی محروم نبوده است. با تمرکز بر استانداردهای بین‌المللی و هویت ملی و توجه به نیازهای جهانی و نیازهای خاص هر کشور به اصلاحات و تدابیری نیازمندیم تا از فرصت‌های به‌وجود آمده، نیک بنگریم، نیک بیندیشیم و با کاویدن و امتناع نورزیدن از اندیشه جهانی تهدیدها را بشکنیم و با تفکر منطقی و تلفیقی به توسعه، تعمق و تربیت شهروندی خوب، متعهد و خلاق پردازیم. در این میان بخش اساسی از فرایند جامعه‌پذیری و ایجاد و پرورش مهارت‌های زندگی، از جمله مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی گوناگون، باید در فرایند آموزش و پرورش و با برنامه‌ریزی صحیح انجام گیرد. دنیای کنونی نیز به افرادی نیازمند است که بتوانند به داورهای مهم و دقیق دست بزنند، راه خویش را در محیط‌های تازه پیدا کنند و پیوندهای تازه را در پایگاه‌هایی که همواره در حال دگرگونی است، به چالاکی بازشناسند. وظیفه آموزش و پرورش روشن است: هدف آغازین آن باید افزایش توانمندی رویارویی انسان با هر دگرگونی باشد. یعنی اینکه فرد بتواند به سرعت و با صرفه‌جویی، خود را با دگرگونی‌های پیوسته همپا سازد و آهنگ دگرگونی هرچه تندتر شود و برای شناخت شکل الگو باید به رویدادهای آینده بیشتر بنگرد. دیگر کافی نیست که آدمی زمان گذشته و حتی زمان کنونی را بشناسد، بلکه او باید یاد بگیرد روند و آهنگ تحولات را پیش‌بینی کند. به عبارت دیگر، او باید پیام‌وزد که درباره آینده، به



پیش‌انگاری‌های پیایی، محتمل و طولانی‌مدت دست بزند.

بنابراین، برای ساختن آموزش و پرورش جامعه فرا صنعتی باید بتوان در گام نخست تصویری پیایی از آینده درست کرد مانند پیش‌انگاره‌هایی دربارهٔ مشاغل و حرفه‌هایی که شاید تا پنجاه سال آینده مورد نیاز باشد، پیش‌انگاشت‌هایی دربارهٔ خانواده‌ها و پیوندهای انسانی که برقرار می‌شود، مسائلی اخلاقی که در آینده پدید خواهد آمد، فناوری‌هایی که گرداگرد ما را خواهد گرفت و ساختار تشکیلاتی که در تاروپود آن گرفتار خواهیم شد. تنها با چنین پیش‌انگاشت‌ها، گفت‌وگو دربارهٔ آنها و به نظم کشیدن و نو کردن مداوم آنهاست که می‌توانیم اساس آموخته‌های ادراکی و عاطفی را دریابیم که مردمان آینده برای تاب آوردن در برابر حرکت پرشتاب دگرگونی به آنها نیاز دارند (تافلر، ۱۳۷۴: ۴۱۷).

در واقع، مردم باید در دورهٔ فراصنعتی به آموخته‌ها و دانش‌های تازه‌ای در سه زمینهٔ

اساسی دست یابند:

۱. یادگیری،
۲. پیوندیابی،
۳. گزینش.

دگرگونی‌هایی که فناوری داده‌ها در دیگر زمینه‌ها، از جمله بخش‌های بازرگانی، ارتباطات و مهم‌تر از همه تولید و گسترش دانش، آگاهی و دانایی برپا داشته، بیش از همه، نهادها و سازمان‌های آموزشی را بازتاب داده و اصولاً بستر به دست آوردن آگاهی، دانایی و فرایند یاددهی و یادگیری را دگرگون کرده است. در جهان امروز برای بهره‌گیری کارآ از فناوری فراگیران باید نقش‌های تازه‌ای را در فرایند یادگیری بپذیرند. به همین دلیل، پیش‌بینی می‌شود که فراگیران، جستجوگران دانستنی‌ها باشند تا بتوانند دربارهٔ ارزش داده‌های گسترده‌ای که در شبکهٔ جهانی اینترنت برای بهره‌برداری آنان وجود دارد به داوری و ارزشیابی بپردازند (عبادی، ۱۳۸۳: ۹۸).

#### ۴. فناوری‌های نوین و چالش‌های فرا روی آموزش و پرورش

بشر در رویارویی با بسیاری از چالش‌های آینده، آموزش و پرورش را به سرمایه‌ای ضروری در تلاش برای واقعیت بخشیدن به آرمان‌های صلح، آزادی و عدالت اجتماعی برمی‌شمارد زیرا آموزش و پرورش نقشی اساسی در توسعهٔ فردی و اجتماعی بازی می‌کند.





از مهم ترین چالش های پیش روی آموزش و پرورش در قرن بیست و یکم عبارت اند از:  
- تنش های همگانی و فردی؛ یعنی نگهداشت هویت انسانی و فردی و فرهنگی در برابر فرهنگ جهانی و جهان شمولی،

- تنش میان جوامع جهانی و محلی؛ یعنی مردم باید بدون از دست دادن جایگاه خویش، در کنار نگهداری از نقش خود در زندگی ملی و جامعه محلی، رفته رفته به شهروندان جامعه جهانی بازگردند،

- تنش میان دیرین و نوین؛ یعنی چگونه ممکن است بدون پشت کردن به گذشته، با دگرگونی ها سازگار باشند،

- تنش میان نیاز به رقابت از یک سو و توجه به برابری فرصت ها از سوی دیگر،

- تنش میان گسترش روزافزون دانش و گنجایش همپایی بشر با آن (همان: ۱۴۸).

بسیاری از جوامع بیم دارند که نتوانند آموزش و پرورش خود را با نیازهای روز جامعه همگام کنند و از دیگر جوامع بازپس بمانند. به همین دلیل بسیاری از دولت ها برنامه های ملی و بنیادینی در بخش آموزش و پرورش در زمینه دسترسی به فناوری های تازه اطلاعاتی و ارتباطی پیش بینی کرده و به اجرا در آورده اند.

کاربرد فناوری در آموزش و پرورش و برنامه های درسی شیوه های گوناگون دارد و یکی از نگرانی های اندیشمندان امروز این است که بسیاری از نظام های آموزش و پرورش موجود فقط به یک کاربرد فناوری و آن هم آشکارترین آن، همان بهره گیری از رایانه و دگرگونی های اطلاعاتی و ارتباطی پیوسته به آن در حوزه تعلیم و تربیت پرداخته و از گونه های دیگر آن دور مانده اند. زمانه دانستنی ها؛ دوران تازه ای در عرصه زندگی اجتماعی پدید آورده که از آن با نام جامعه اطلاعاتی یاد می شود. در چنین گستره ای، پیدایش سامانه تازه ارتباطات الکترونیکی، که پهنه آن سامانه جهانی است، فرهنگ ها را دگرگون کرده است و از این دیدگاه جهانی شدن تمدن اطلاعاتی را بنا می کند که پایبندی آن به زمین، سرمایه یا مواد خام نیست، بلکه مبتنی بر نیروی نوآوری های بشری و هوشمندی و ابتکار اوست.

آنچه در جامعه اطلاعاتی، به ویژه در بخش آموزش و پرورش تأکید می شود، هزینه سرمایه گذاری و کاربرد سخت افزاری و ابزارگونه فناوری های اطلاعاتی - ارتباطی و به کارگیری آن برای انبار کردن اطلاعات نیست، بلکه مسئله اساسی، به کار بردن این

فناوری‌ها در آموزش و پرورش و توانمندسازی دانش‌آموزان در برگزیدن اطلاعات مورد نیاز برای رسیدن به گام خودمداری و ساختار به خدمت گرفتن فناوری‌های اطلاعاتی - ارتباطی است.

امروزه، سامانه آموزشی با چالشی مواجه است که باید مردم را برای جامعه اطلاعاتی آماده کند و از مهم‌ترین هدف‌هایش دسترسی به اطلاعات باشد. هر چند به‌منظور آماده کردن مردم برای درآمدن به زمانه اطلاعات، سامانه آموزشی با چالش‌های دیگری نیز مواجه است.

## ۵. فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی شدن برای آموزش و پرورش

جهانی شدن فرصت‌هایی را برای آموزش و پرورش پدید می‌آورد که به این شرح‌اند:

۱. بهره‌گیری از تازه‌ترین آگاهی‌ها در آموزش و پرورش ایران: دانش‌آموزان قرن بیست و یکم، هموند جامعه سازمان‌یافته‌ای هستند که برای رشد درک فناوری و بهره‌گیری از آن در تنظیم خط‌مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی به آموزش‌های گروه‌های رسمی و غیررسمی نیازمندند. برای شهروندان آینده ضروری است تا برنامه زندگی‌شان را از یک‌سو با خط‌مشی‌های نوگرایانه و از سوی دیگر رعایت اصول افزایش کیفیت یادگیری، کمک به ایجاد برابری آموزشی و اعتلای اثر بخشی هماهنگ کنند (کرمی‌پور، ۱۳۸۲: ۵۲).

## ۲. اهمیت یافتن اصل اخلاقی همکاری و هم‌اندیشی به‌عنوان هدف اصلی

آموزش و پرورش: از آنجاکه ارتباطات در روند جهانی شدن گسترش می‌یابد و انسان‌ها بیشتر در گذر شناخت و پیوند با دیگر افراد جهان قرار می‌گیرند، هم‌اندیشی‌های بین‌المللی ضرورت پیدا می‌کنند و یادگیری برای با هم زیستن به‌عنوان هدفی مهم در آموزش و پرورش مطرح می‌شود (یونسکو، ۱۳۷۸: ۱۰۰).

## ۳. آموزش الکترونیکی: این نوع آموزش، تصویری از تکامل آموزش‌های مشارکتی

و شخصی در مقایسه با آموزش دیرینه است. این سامانه آموزشی به‌دلیل برتری‌هایش می‌تواند ضرورتی گریزناپذیر و راه‌حلی منطقی برای سامانه آموزشی باشد؛ از جمله نکات مثبت این‌گونه آموزش می‌توان به بهبود چگونگی آموزش و پرورش، کاهش هزینه‌ها، امکان‌پذیر شدن آموزش‌ها و ایجاد مدارس مجازی اشاره کرد که همه این موارد بازدهی آموزشی را افزایش خواهد داد (سجادی، ۱۳۸۲: ۸۹).





۴. **شکافتن حلقه‌های بسته دانش:** شاید بتوان یکی از پیامدهای مفید و فرصت‌ساز جهانی شدن برای آموزش و پرورش کشور را شکافتن مرزها و حلقه‌های بسته دانش و اصلاح زوایای معرفت‌شناختی آن دانست. ورود به دنیای فراخ معرفتی از جمله نیازهای جویندگان معرفت در زمان کنونی است که خود پیشرفت‌های عظیمی را در پی خواهد داشت و این همان فرصتی است که جهانی شدن در دسترس سامانه آموزشی ما می‌گذارد. یکی از محدودیت‌هایی که دانش‌آموزان در نظام‌های آموزشی دنیا و از جمله ایران با آن مواجه‌اند عرضه هندسی دانش و اطلاعات به آنهاست، به نحوی که سرشت نظام آموزشی یک کشور اقتضا می‌کند. حقیقت مسلم و حق مفروض نظام آموزشی هر کشوری است که دانش‌آموزان را مطابق آرمان‌های خود تربیت کند، اما این به معنای هندسی و محدود کردن نظام عرضه اطلاعات نیست. در واقع، جهانی شدن نظام عرضه تعریف شده) را به نظام عرضه دیالکتیکی اطلاعات تبدیل می‌کند.

جهانی شدن تهدیدهایی را نیز برای آموزش و پرورش پدید می‌آورد که از این قرارند:

۱. **تک‌فرهنگی شدن و کاهش فرهنگ‌های بومی:** هویت ملی ابزاری است برای جداسازی یک ملت از ملتی دیگر که بر آگاهی مشترک پیرامون مفهوم یا مفاهیم تعریف شده گروهی تکیه دارد و تا زمانی که آگاهی یکسانی برای جدا کردن خود از دیگری به وجود نیاید، هویت ملی امکان شکل‌گیری ندارد (مزارعی و شادفر، ۱۳۸۸: ۴۴).

۲. **تهدید روندهای مربوط به تربیت دینی:** در جوامع اسلامی باورهای دینی و نظام ارزشی اسلام، بخش مهمی از هویت مسلمانان را شکل می‌دهد. این هویت، خواه ناخواه درون مرزهای اعتقادی و دینی تعریف می‌شود و نوعی مرزبندی میان خود و بیگانه را مطرح می‌کند. هر چند تفسیرها و قرائت‌های مختلف از اسلام در این زمینه دارای تفاوت‌های جدی است، اما این تفاوت‌ها صرفاً پررنگ یا کمرنگ شدن مرز خودی و بیگانه را نشان می‌دهد و احتمالاً چالش‌انگیزترین بخش جهانی شدن نسبت به اسلام و اندیشه دینی، خود فرهنگ و اندیشه است. این امر از نقش زیربنایی فرهنگ نسبت به دیگر ساختارهای اجتماعی نشئت می‌گیرد و از سوی دیگر بخش مهمی از فرهنگ متشکل از نظام ارزشی، هنجارها و باورهای دینی جامعه است (براند، ۱۳۷۹: ۱۷۷).

۳. **تأثیر بر زبان و آموزش آن:** زبان یکی از مواردی است که در بحث پیامدهای



وسایل الکترونیکی باید آن را جدا از دیگر مباحث فرهنگی نگاه کرد. در رسانه‌های الکترونیکی جدید بیشتر زبان انگلیسی چیره است و خود را به فرهنگ همه کشورهای از جمله ایران بار می‌کند. رسوخ و گسترش زبان انگلیسی از راه تلویزیون‌های ماهواره‌ای و اینترنت در جای خود می‌تواند مهم‌ترین تهدید برای زبان‌های ملی و محلی شمرده شود. از این رو، برنامه‌ریزان، به‌ویژه سازمان‌های آموزشی، باید تلاش بیشتری صرف این مهم کنند تا زبان فارسی نیز جایگاه خود را بیابد و کاربردهای بیشتری داشته باشد.

**۴. آموزش‌ها و کلاس‌های چندفرهنگی:** شیوه تازه اطلاع‌رسانی به‌نوبه خود سبب آگاهی‌هایی تازه شده و انسان‌هایی نو می‌آفریند. آگاهی‌هایی که در دوره دوم رسانه‌ها تولید و عرضه می‌شود بیشترین پذیرندگان فراملی و بین‌المللی را دارد. انسان‌های بی‌شماری با «دیگران» و «غریبه‌ها» پیوند کرده، دادوستد و آگاهی پیدا می‌کنند. از این رو، این شیوه اطلاع‌رسانی فرهنگ ویژه‌ای (جهانی و غربی) را گسترش می‌دهد و مخاطبان (مصرف‌کنندگان) اندک اندک، بیش از آنکه خود را وابسته به قوم، فرهنگ و کشور خویش بدانند خود را انسانی با تابعیت جهانی و بین‌المللی خواهند دانست. بنابراین، کوچ کردن به کشورهای گوناگون افزایش یافته است که این پدیده هرچند باعث شناخت بیشتر دیگر فرهنگ‌ها و آشنایی بیشتر با آنها می‌شود، ولی چالشی را به‌عنوان آموزش، مدارس و کلاس‌های چندفرهنگی پدید می‌آورد که خود می‌تواند دشواری‌های چندی برای آموزش و پرورش ایجاد کند (عالی، ۱۳۸۴: ۶۷). در مجموع، جهانی شدن، فرصت‌ها و چالش‌هایی را برای نظام تعلیم و تربیت به‌طور عام و برای ایران به‌طور خاص پدید می‌آورد که با بهره‌گیری از این فرصت‌ها و با شناخت بهتر چالش‌ها می‌توان میراث‌های فرهنگی، هویت ملی و اعتلای نظام تعلیم و تربیت را در فرایند جهانی شدن حفظ کرد.

## ۶. رسالت آموزش و پرورش در برابر پدیده جهانی شدن

دگرگونی در روش‌شناسی دانش که تا اندازه‌ای از جهانی شدن به‌وجود آمده به فرایندهای آموزشی پیوند خورده است. برای نمونه، گسترش انتشارات فرامرزی باعث شده تا میلیون‌ها نفر از فراگیران، بخشی از آموخته‌های خود را از کتاب‌های درسی فراجهانی به‌دست آورند. سازمان‌های آموزشی، دانشگاه‌ها و مدارس عالی گوناگون،



نمایندگی برون مرزی برپا کرده‌اند. فناوری‌های نوین جهانی شدن، ماهیت سواد را به گونه‌ای بنیادین گسترش داده‌اند. از بسیاری از جنبه‌ها، توانایی کار با رایانه به اندازه توانایی خواندن و نوشتن با مداد و کاغذ اهمیت دارد. گسترش فضاهای فرامرزی موجب گسترش زبان انگلیسی به عنوان زبانی میانجی و جهانی شده است. فناوری‌های جهانی شدن همزمان با گسترش حوزه سواد، اندازه و گونه‌های آزمودنی‌ها را نیز افزایش داده‌اند که در دسترس پژوهشگران قرار دارند. در مجموع، جهانی شدن در بحث روش‌شناسی موجب شده است: ۱. بایستگی بیشتر برای کنار گذاشتن بررسی‌های علمی محدود شود، ۲. برخی جنبه‌های فرایند آموزشی دگرگون شود، ۳. اندازه دانستنی‌های آزمودنی و شیوه‌های برخورد با شواهد از سوی پژوهشگران افزایش یابد (شولت، ۱۳۸۲: ۲۴۷-۲۴۵).

افزون بر این، آگاهی و نوآوری دو پایه اصلی جهانی شدن شمرده می‌شود که دانستنی‌های فشرده و گسترده‌ای را به همراه دارند. اگر دانش و آگاهی را برای جهانی شدن بنیادی بدانیم، جهانی شدن نیز بر انتقال این دانش و آگاهی پیامد ژرفی دارد. جهانی شدن، از راه‌های گوناگونی، پیامدهای ژرفی بر آموزش داشته است و زمانی که ملت‌ها و اجتماعات محلی و منطقه‌ای به درستی از نقش بنیادین سازمان‌های آموزشی در جابه‌جایی آموخته‌های لازم اقتصاد جهانی شده و به هم آمیختگی دوباره افراد در اجتماعات جدید شکل گرفته در پیرامون آگاهی و دانش با خبر شوند، این تأثیر به مراتب بیشتر خواهد بود (کارنوی، ۱۳۸۴: ۱۴-۱۵).

درواقع، سامانه آموزشی باید به‌طور همزمان، آینده‌ساز و برانگیزنده آینده‌سازان باشد؛ یعنی به انسان آمادگی دهد تا هم آینده را دریابد و هم بر آن چیره شود. اگر پیش از این، رسالت آموزش و پرورش گسترش صفت‌هایی اخلاقی همچون اندیشه‌گرایی، منطق‌گفتمان، حس همکاری، مسئولیت‌پذیری و توجه به محیط زیست بود؛ امروزه رسالتی سنگین‌تر دارد و آن نگرهبانی بشر در برابر تکانه آینده است. (اصلانی، ۱۳۸۲: ۵۷).

تغییرات در اقتصاد جهانی سه فرضیه را در بخش‌های آموزشی و تربیتی مطرح کرده است: ۱. بهکردهایی که برای پاسخ‌دهی به دگرگونی تقاضاهای مربوط به آموخته‌های کاری لازم در بازارهای کار داخلی و جهانی و به ایده‌های تازه مربوط به سازمان‌دهی پیشرفت تحصیلی و آموخته‌های کاری انجام شده که می‌توان آنها را «اصلاحات ناشی از رقابت» دانست. ۲. بهبودهایی که برای پاسخ به کاهش بودجه بخش دولتی و درآمد



شرکت‌های خصوصی، کاهش منابع خصوصی و دولتی موجود برای تأمین مالی تعلیم و تربیت صورت گرفته‌اند و می‌توان آنها را «اصلاحات مالی» دانست. ۳. بهبودهایی که هدفشان بهتر کردن نقش مهم سیاسی آموزش به‌عنوان منبع پویایی و برابری اجتماعی است و «اصلاحات ناشی از مساوات‌طلبی» خوانده می‌شوند (کارنوی، ۱۳۸۴: ۴۹).

به‌این ترتیب، آموزش از دیدگاه جهانی شدن نیرویی است که به یاری آن همه افراد می‌توانند با همکاری دیگران در ساختن فرهنگ آینده نقش داشته باشند و خود را بر پایه گفته‌های دیگران ارزیابی کنند. جهانی شدن واقعیتی است که با بازشناسی نقش خود در آن، می‌توان در راه‌های مثبت از آن بهره گرفت و به این منظور باید اموری را رعایت کرد: ۱. شناخت فناوری، ۲. خودشناسی، ۳. ایجاد مفاهیم مبنایی با نگاهی تازه به جهان، تا جانشین نقاط منفی جهانی شدن شود، ۴. تربیت فراتر از امری تلقینی است، ۵. طراحی یک برنامه اجرایی صرفاً تربیتی (نحاس، ۱۳۷۹: ۷۲).

## ۷. ضرورت استقرار نظام نوین آموزش و پرورش در تعامل با نظام جهانی

دانش‌آموزان قرن بیست‌ویکم عضو جامعه سازمان‌یافته‌ای هستند که نیازمند یادگیری مهارت‌های گروه‌های رسمی و غیررسمی هستند تا فناوری را درک کنند و در تنظیم خط‌مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی از آن بهره بگیرند. شهروندان آینده نیاز دارند که برنامه زندگی خود را با خط‌مشی‌های نوگرایانه از یک‌سو و رعایت اصول ارتقای کیفیت یادگیری، کمک به ایجاد برابری آموزشی و اعتدالی اثربخشی از سوی دیگر هماهنگ کنند. شهروندانی که توانایی تهیه لوازم مربوط به اینترنت را در اختیار دارند، به راحتی می‌توانند اطلاعات روزآمد را از آن سوی جهان دریافت کنند و در همان حال با تولید اطلاعاتی نو آن را در اختیار مخاطبان خود قرار دهند. رسانه‌های الکترونیکی جدید مرزها را شکسته است. اطلاع‌رسانی به شیوه جدید انحصار رسانه‌های داخلی را شکسته و به افراد این توانایی را می‌دهد تا منبع اطلاعاتی خویش را تعیین کنند و با افزایش سرعت اطلاع‌رسانی و استفاده بیشتر از تکنولوژی پیشرفته ارتباطات باعث شوند آموزش و پرورش ایران فرصت‌های بیشتر و متناسب‌تری برای رسیدن به اهداف خود داشته باشد (کرمی‌پور، ۱۳۸۲: ۵۲). از آنجاکه ارتباطات در روند جهانی شدن گسترش می‌یابد، افراد از سراسر دنیا با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند و بیشتر از قبل به سایر افراد جهان



شناخت پیدا می کنند، بنابراین تفاهات بین المللی ضرورت می یابد و یادگیری برای با هم زیستن به عنوان هدفی مهم در آموزش و پرورش مطرح می شود. یادگیری برای با هم زیستن مستلزم یادگیری چگونگی برقراری ارتباطی مؤثر، آموختن حس مسئولیت، سهیم کردن، یادگیری و همکاری با دیگران است. از این رو، شناخت سایر فرهنگ ها و نحوه ارتباط با آنها ضرورت می یابد و می تواند به عنوان فرصتی در اختیار آموزش و پرورش ایران قرار گیرد (یونسکو، ۱۳۷۸: ۱۰۰).

افزون بر این، باید به گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش و پرورش به عنوان یک نیاز ملی حساسیت زیادی نشان داد؛ یعنی می توان از این ابزار برای افزایش کیفیت منابع انسانی، بیشتر کردن شایستگی های حرفه ای نیروی انسانی، افزایش توانایی های توسعه فناوری در دوران پسا صنعتی، بهبود کیفیت زندگی، بازسازی بنیان های اجتماع بر پایه الگوی فناوری اطلاعات و به دست آوردن جایگاهی ممتاز در جهان امروز بهره جست. به عبارتی، می توان با تبیین بینش ملی خود در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات، برنامه ریزی طولانی مدت و کوتاه مدت، تعیین مأموریت های دولت، فعالیت های اجرایی و به کارگیری بخش خصوصی و پشتیبانی گسترده از مؤسسات آموزشی، به نیاز ملی در زمینه افزایش شناخت فناوری، سواد اطلاعاتی و توان درک مناسبات در جهان امروز پاسخی شایسته داد. به این ترتیب، باید پروژه های عملی بسیاری را در مؤسسات آموزشی به اجرا گذاشت تا آرام آرام فراگیران را به بهره گیری از انواع فناوری نوین مجهز کرد، به گونه ای که یادگیری و آموزش مبتنی بر شبکه امری رایج و معمول در مدارس و کلاس های درس باشد، یادگیری مادام العمر را ترویج کند و بنیان های جامعه مبتنی بر اطلاعات و در حال یادگیری را بیش از پیش تقویت کند و به پیش برد (سرکار آرائی، ۱۳۸۳: ۲۲۹). در واقع، می توان برخی از مهم ترین محورهای برنامه اصلاحی را برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش بدین صورت پیشنهاد کرد:

۱. کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در فرایند یاددهی - یادگیری،
۲. تأکید بر مهارت های بهره گیری از دانش و اطلاعات و گذار از آموزش دانش و انتقال اطلاعات به آموزش چگونگی یادگیری،
۳. به کارگیری توانایی های شبکه جهانی اینترنت در فرایند یاددهی - یادگیری و آموزش های از راه دور مبتنی بر شبکه،



۴. گنجاندن واحدهای آموزشی و درسی لازم برای تمرین مهارت های کار با کامپیوتر و بهره گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات در موضوعات گوناگون درسی،
۵. ایجاد امنیت برای دانش آموزان در شبکه جهانی اینترنت،
۶. طراحی واحدهای درسی اجباری در ارتباط با دانش فناوری، بهره گیری از اطلاعات و به کارگیری فناوری های اطلاعات و ارتباطات در مدارس،
۷. پرورش حرفه ای آموزگاران همگام با گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش.

بنابراین آموزش الکترونیکی، تصویری از تکامل آموزش های مشارکتی و شخصی در مقایسه با آموزش سنتی است، همچنان که تجارت الکترونیکی شکل توسعه یافته تجارت در مقایسه با تجارت سنتی است. این نظام آموزشی به دلیل داشتن امتیازات زیاد می تواند ضرورتی اجتناب ناپذیر و راه حلی منطقی برای نظام آموزشی باشد که می تواند باعث رشد کیفیت آموزش و پرورش، کاهش هزینه ها و امکان پذیری آموزش ها و ایجاد مدارس مجازی شود و همه این موارد باعث افزایش بازدهی آموزشی خواهد شد. آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران نیز می تواند از این امکانات جدید آموزشی به عنوان فرصتی مناسب برای بهبود کیفیت خود بهره گیرد. شکستن مرزهای زمانی و مکانی از خصایص آموزش های الکترونیکی است که خود منافی را نصیب نظام آموزشی ما می کند. از جمله گسترش فعالیت های آموزشی همزمان در کشور، انتقال سریع اطلاعات در همه مدارس به صورت آنلاین، حذف روش های کم بهره آموزشی (روش های سنتی معلم محور).

## نتیجه گیری

روند برگشت ناپذیر به سوی جهانی شدن و افزایش همبستگی و اجتماع گرایی؛ همه جوامع را به سوی آینده ای تازه و تا اندازه ای پیش بینی نشدنی می برد. در این فرایند آموزش و پرورش منفعل نیست، بلکه در قرن بیست و یکم یادگیری برای دانستن باید بر شناختی روشن از این مسئله استوار باشد که چه چیزی را باید بدانیم، چگونه باید بدانیم و چه کسی باید در یادگیری و دانستن مشارکت کند. نهاد مهم آموزش و پرورش به ساختاری درست، تدبیر و چاره اندیشی، تعامل و مشارکت نیاز دارد تا از قافله کشورهای توسعه یافته عقب نماند. تنها راه چاره برای زیستن در جامعه جهانی، تربیت انسان هایی



جهانی، اندیشمند و متفکر با رویکردی شناختی است تا بتوان تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد. همچنین مبانی پرورش باید براساس پرورش شخصیت، آزاداندیشی، انتقال فرهنگ تساهل، انتقال عقلانیت و احساس زدایی باشد. ضمن اینکه باید متون علمی را در قالب موضوعات گوناگون به دانش آموزان منتقل کرد. پیاده کردن این مجموعه، مدیریتی قوی می‌طلبد. می‌توان استنباط کرد که نظام آموزش و پرورش ایران همگام با سایر نظام‌های آموزشی دنیا در معرض فرایند جهانی شدن قرار گرفته و می‌گیرد. از این رو باید تلاش کند تا فرصت‌هایی را که جهانی شدن پیش روی آموزش و پرورش جوامع قرار می‌دهد به کار بگیرد و برای کاهش آثار منفی آن تدابیری بیندیشد تا بتواند افزون بر حفظ میراث‌های فرهنگی و سایر ویژگی‌های بومی، ویژگی‌های فردی را نیز در دانش‌آموزان رشد دهد و همزمان آنها را با استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات به شناخت جهان و سایر فرهنگ‌ها قادر سازد.

در جامعه یادگیری، همه باید در پی آموزش، دانستن و به‌دست آوردن آگاهی و دانش تازه باشند زیرا ایستایی، ناآگاهی یا سهل‌انگاری به‌منزله‌جا ماندن از کاروان رهسپار در راه یادگیری است. افزایش زود هنگام آگاهی‌ها، ما را بر آن می‌دارد که زمینه‌های یادگیری را به‌گونه‌ای سازمان‌دهی کنیم که دانش‌آموزان را برای رویارویی با چالش‌های آینده آماده کند. دانش‌آموزان در این گستره‌ها باید یاد بگیرند که چگونه از فناوری داده‌ها بهره‌گیری کنند. پس همگرایی ما باید بر ساختار کلاس درس باشد. آنچه بدان نیازمندیم دگرگونی فرهنگ در سامانه پرورش آموزگار است، به‌گونه‌ای که فناوری دگرگونی پیوندهای آموزگار، دانش‌آموز، یادگیرنده و دانش در نظر گرفته شود. با آنکه ایجاد دگرگونی دشوار است، اما نمی‌توان از آن گریخت. اگر برنامه‌های پرورش آموزگار را در خدمت نیازهای آموزش‌شده‌ها بدانیم، نمی‌توان از این دگرگونی‌ها چشم‌پوشی یا آنها را به آینده موکول کرد. بنابراین، پیدایش سامانه جدید الکترونیکی که پهنه آن سامانه جهانی است، فرهنگ‌ها را دگرگون می‌سازد و از این دیدگاه، جهانی شدن، تمدن آگاهی‌ها را بنیاد می‌کند که نه بر زمین، سرمایه یا مواد خام استوار نیست، بلکه بر نیروی نوآوری بشری، هوشمندی و ابتکار او استوار است. در سامانه آموزش و پرورش، باید پیش‌زمینه‌هایی وجود داشته باشند؛ از جمله: ۱. پشتیبانی مالی و فرهنگی دولت برای فراهم کردن زیرساخت‌ها و منابع لازم، ۲. اعطای زمان لازم به وزارت آموزش و پرورش



ازسوی دولت، برای تصمیم‌گیری درباره خط‌مشی‌ها و برنامه‌ریزی‌های مورد نیاز. پروژه کاربرد فناوری در آموزش و پرورش در پی ایجاد زمینه‌ها، محیط و فرصت‌هایی است که روش‌های آموزش گسترش یابد و دانش‌آموزان بیش از پیش مطالب و محتوای آموزشی را درک کنند، یادگیری خود را به جهان خارج گسترش دهند، بتوانند جهان را به کلاس درس خود بیاورند، یادگیری و آموزش را عینی‌تر کنند، به گونه‌ای که ره‌آورد آموزش چیزی بیش از «شنیدن» و بیش از پیش پایدار و مرتبط با زندگی اجتماعی دانش‌آموزان باشد. بدین ترتیب، ایجاد فضای مناسب برای به‌کارگیری فناوری ارتباطی برای غنی ساختن فعالیت‌های آموزش و پرورش مدارس، باعث پیشبرد سطح پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، بهبود و گسترش روش‌های آموزش، بهسازی مدیریت مدرسه و پرورش حرفه‌ای آموزگاران می‌شود. در واقع، با توجه به تجزیه و تحلیل و درک واقعیت‌هایی که دانش‌آموزان ما در نظام آموزش و پرورش با آن مواجه‌اند نیازمند آموزش و پرورشی پویا و بالنده است تا به تدریج، مدارس در روند جهانی شدن از طریق شبکه‌های جهانی و تعامل سازنده با مدارس کشورهای دیگر به آموزش و انتقال تجارب بپردازند.

## منابع

- اصلانی، بهمن (۱۳۸۲). «آسیب‌زایی ایستایی زمان در آموزش و پرورش». مجله رشد، دوره بیست‌ویکم.
- براندا، واتس (۱۳۷۹). تدریس مؤثر تربیت دینی. ترجمه و تلخیص بهرام محسن‌پور، مجموعه مقالات تربیت اسلامی، ج ۳، قم: مرکز تربیت اسلامی.
- تافلر، الوین (۱۳۷۴). شوک آینده. ترجمه حشمت‌الله کامرانی، تهران: نشر سیم‌رغ.
- حسینی، سید نبی (۱۳۸۷). «کشاورزی در بستر جهانی شدن: چالش‌ها و فرصت‌ها». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۵۳-۲۵۴، صص ۲۷۰-۲۹۲.
- سجادی، مهدی (۱۳۸۲). «جهانی شدن و پیامدهای چالش برانگیز آن برای تعلیم و تربیت». فصلنامه علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، ش ۱۰، صص ۵۳-۷۴.
- سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۸۳). «ژاپن، جامعه اطلاعاتی و برنامه‌های توسعه فناوری در آموزش». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۰۳-۲۰۴، صص ۲۲۴-۲۳۰.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). عقلانیت و آینده توسعه‌یافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- شولت، ی (۱۳۸۲). نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن. ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

- شولت، یان آر (۱۳۸۲). **نگاهی موشکافانه به پدیده جهانی شدن**، ترجمه مسعود کرباسیان تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .
- صفوی، احمد (۱۳۶۶). **روند تکوینی و تطبیقی تعلیم و تربیت جهانی در قرن بیستم**. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- عالی، محمود (۱۳۸۴). **تبیین چشم انداز نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران در بستر جهانی شدن: فرصت ها و تهدیدها** .
- عبادی، رحمان (۱۳۸۳). **فناوری اطلاعات و آموزش و پرورش**. تهران: مؤسسه توسعه فناوری آموزشی مدارس هوشمند.
- غفاری، محمد، فرزانه فرضی و الهام بابائی (۱۳۹۲). «**تحلیل محتوایی کتاب درسی تعلیمات اجتماعی سال اول و دوم دوره راهنمایی**»، نشریه مهندسی فرهنگی، سال هشتم، ش ۷۸، صص ۷۴-۹۱.
- کارنوی، م. (۱۳۸۴). **جهانی شدن و اصلاحات آموزشی (آنچه برنامه ریزان باید بدانند)**. ترجمه محمد حسن میرزا حبیبی و محمدرضا فریدی، تهران: سیسپرون.
- کرمی پور، محمدرضا (۱۳۸۲). «**نقش جهانی شدن در مدیریت و رهبری آموزشی**». مجله رشد تکنولوژی آموزشی، دوره هفدهم، ش ۱۴۱، صص ۱۵-۳۵.
- محسن پور، بهرام (۱۳۷۹). **نقش تعلیم و تربیت در برخورد با جهانی شدن فرهنگ مدرنیته**. فضای علمی و پژوهشی، ج ۸، ش ۳ و ۴.
- مزارعی، یوسف و حوریه شادفر (۱۳۸۸). «**جهانی شدن و آموزش و پرورش**». اطلاعات سیاسی و اقتصادی، ش ۲۶۷-۲۶۸، صص ۳۴-۴۸.
- نحاس، ج. (۱۳۷۹). **جهانی شدن، انسان شناسی و آزادی در تربیت**. ترجمه اختری، انتخاب، ش ۱۲.
- یونسکو، ملبورن (۱۳۷۸). **آموزش و پرورش برای قرن ۲۱**. ترجمه علی رئوف، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- Brunner, J (2000). **Globalization and the Future of Education**. Santiago, Challenges and Strategies, Mettingin Santiago, Chile.
- Hendrix, J (1998). **Globalizing the Curriculum**, the Clearinghouse. Proquest Education Journals, London.
- <http://www.Amouzeshtv.Com>.
- <http://www.Moalemrc.Com>